

روزگار در آغوش من

۶۴۶۰۶



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق اسلامی

موضوع:

((جایگاه عقل در فقه امامیه))

۱۳۸۳ / ۹ / ۱۳
مرکز اطلاعات مدرک علمی ایران
تهیه مدارک

استاد راهنما:

جناب حجة الاسلام والمسلمین سید علی اصغر موسوی رکنی

استاد مشاور:

جناب حجة الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی

نگارش:

زهرا خسروجردی

پاییز ۱۳۸۲

۶۴۴۰۶

تقدیم به:

ریامین آفرینش که با وجود در مجرای هستی بذر کثرت در
صحنه طبیعت می نشانند و آن گاه که فئای جسم را به بقای
میات هستی رضا می دهند و جانیشان به عالم ومدت پر می
گشاید از طبقات تاریخ و علم و حکمت فراتر می روند و در
حالی که گروهی از بذرهای به ثمر نشسته شان بر گرد تاریخ و
گروهی دیگر به علم و یا حکمت جمع آمده اند، با رضا مندی
راه خویش می پویند و می روند.

تقدیر و تشکر :

از مادرم؛ که محبت و همراهی او فراموش نشدنی است.
از همسرم؛ که صبوری و همدلی او وصف نشدنی است.
از استاد گرانقدرم جناب حجة الاسلام و المسلمین سید علی
اصغر موسوی رکنی که افتخار شاگردی ایشان نصیبم شد و از
راهنمائی های بی دریغشان بهره مند گشتم .
و همچنین از استاد ارجمندم جناب حجة الاسلام و المسلمین
مهدی مهریزی که با نقطه نظرات خود ، زمینه پر بارتر شدن
پایان نامه را فراهم آوردند .

چکیده:

تبادر اولیه از عنوان عام پایان نامه، بررسی جامع حضور و ظهور عقل در جای جای فقه امامیه است. اما با بداهت عقلی می توان دریافت که، چنین رسالت سنگینی از عهده حتی چندین پایان نامه نیز خارج است. بنابر این با توجه به وجود شاخص ترین مبحث دلیل عقل در علم اصول، که مآلاً در استنباطهای فقیه نیز نقش بسزایی دارد، یعنی مبحث قاعده ملازمه؛ از اینرو پژوهشهای این پایان نامه به همین مبحث ریشه ای اختصاص یافت تا از این رهگذر، جایگاه و پایگاه واقعی دلیل عقل در استنباطهای فقهی آشکار گردد.

بحث از این منبع پر بار ریشه در مباحث کلامی یعنی تحقیق در زمینه حسن و قبح دارد؛ که با اثبات این دو عنوان اساسی در علم کلام، می توان زمینه اصلی بحثهای اصولی را بدست آورد. که اهمیت طرح آن را، در فصل دوم ایجاب کرده است.

ناگفته پیداست که محور اصلی بحث، پیمودن راه عقل گرایان با بیان دیدگاه و دلایل آنان و نیز مقابله با منکران استنباطهای عقلی در فقه امامیه است (که در فصل چهارم پایان نامه به آن پرداخته شده است).

عقل گرایی نوعی بینش مبتنی بر معرفت‌های مستقل عقلی (مستقلات عقلیه) است و بر حجیت آن در شناخت معارف و تعالیم دینی صحه می گذارد و روش تاویل و تفسیر ظواهر و نصوص دینی را می پذیرد. به عبارت دیگر، عقلی مشربان بر عقل و مبادی بدیهی و نظری عقل در دین شناسی تاکید می ورزند. نمایندگان برجسته این دیدگاه، متکلمان امامیه و معتزله هستند.

فصل اول

معتزله و شیعه با پذیرش «مستقلات عقلیه» در واقع پذیرفته‌اند که:

- ۱- حسن و قبح ناشی از مصالح و مفاسد واقعی وجود دارد و اعتباری محض نیست.
 - ۲- این حسن و قبح توسط «عقلا بما هم عقلا» قابل شناخت است.
 - ۳- این شناخت حسن و قبح عقلی مورد تایید قطعی حکم شارع مقدس می‌باشد (وجود ملازمه).
- این برداشت مثبت نسبت به جایگاه عقل در حریم دین، توان قابل توجهی به سیستم قانونگذاری و حقوق اسلام جهت رشد و اعتلای هر چه بیشتر بخشیده است.

بنابراین اگر کسی منکر ذاتی بودن حسن و قبح گردد و یا منکر امکان شناخت احاد بشر از چنین مصالح و مفاسدی گردد و یا منکر چنین ملازمه‌ای میان عقل و شرع گردد، به هر حال منکر دلیل عقل است و از جرگه شیعه و معتزله خارج و در جرگه اشاعره و اهل جمود وارد می‌گردد. البته عقل نیز همچون تمامی پدیده‌ها، حریم و قلمرو خاص خود را دارد و مرکز ثقل مباحث مربوط به آن نیز، یافتن همین حریم و قلمرو می‌باشد و انگیزه ما از تدوین فصل سوم پرداختن به این مقوله مهم بوده است.

اما با این همه هنوز ابهاماتی در شناخت و تعیین موقعیت و شأن عقل در روند اجتهاد وجود دارد که، باعث کندی و کاستی در روند پویائی فقه گردیده است.

اگر عقل به اضافه دین، در سایه حجیت قاعده ملازمه به اثبات برسد و بر جامعه اسلامی حاکم شود، طبیعتاً به دنبال آن رشد و ترقی و توسعه و وجاهت دینی خواهد بود؛ اما اگر بین عقل و دین جدایی بینکنیم که مسلماً دور از اسلام ناب است، آن وقت دین تبدیل به ضد آرمانها در احکام و آموزشهای خود می‌شود و تفکر ما در استنباط احکام فقهی دچار رکود می‌شود.

این رساله جهت دستیابی به این دانش کلیدی در شش فصل تدوین شده، که در پنج فصل ابتدائی آن به مقوله عقل در مرحله «صدر نص» و در فصل پایانی به عقل در مرحله «امثال» پرداخته شده است.

در فصل اول ضمن نگرش تاریخی به عقلگرایی و بررسی منزلت آن در شریعت، در ابتدای

مقاله تخصصی در زمینه فلسفه و کلام اسلامی
مصلح روزگار است
بیاید از این دور دوری
باید از این دور دوری

مبحث، با بررسی عنصر «عقل» در اصطلاح فقه دانسته شد که مراد از آن، همان شعور باطنی و وجدان اخلاقی است که مُدرک حسن و قبح عقلی است.

و از آنجائی که زیر بنای دلیل مستقل عقلی، در وجوه حسن و قبح و سپس قاعده ملازمه بین حکم عقل و شرع و عکس آن خلاصه می‌شود، به بررسی آنها به ترتیب در فصلهای دوم و سوم و چهارم پرداختیم و این مطلب را به اثبات رساندیم که عقل در فقه اسلامی هم می‌تواند کشف‌کننده قانون باشد و هم قانونی را متناسب با شرایط و مقتضیات، تحدید و تمیید نماید و یا آن را تعمیم دهد.

فصل پنجم به تشریح دیدگاه امامیه در زمینه بهره‌گیری از عقل بعنوان منبع استخراج احکام شرعی اختصاص یافته، که در زمره مباحث حجج و عقل مُدرک می‌گنجد نه عقل مُدرک و قاعده ملازمه. و در مقام اثبات این مطلب بوده‌ایم که عقل می‌تواند مددکار و ابزار استنباط از سایر مدارک فقهی مثل قرآن و سنت و اجماع باشد.

در فصل ششم، به دنبال تعیین وظیفه عملی مکلف بر اساس زمینه عقلی بوده‌ایم و اینکه عقل با قطع نظر از دخالت شرع، در موارد شک در تکلیف، اجرای کدام اصل را لازم می‌داند؟ در مدت تدوین این رساله، افتخار تلمذ از محضر پر برکت اساتید گرانقدر جناب حجة الاسلام و المسلمین سید علی اصغر موسوی رکنی و جناب حجة الاسلام و المسلمین مهدی مهریزی را داشته‌ام که حاصل آن ارائه رساله حاضر توأم با آموخته‌های علمی فراوان برای اینجانب بوده است، که ضمن تشکر از زحمات فراوان این دو بزرگوار، توفیق روزافزون آنها را از درگاه الهی آرزو مندم.

البته ناگفته پیداست که وجود خطا و لغزشهای انکارناپذیر بحثهای علمی، که ناشی از علم ناقص نگارنده است، نیازمند تذکر و راهنمایی صاحب نظران است.

کلید واژه‌ها:

عقل - حسن و قبح عقلی - قاعده ملازمه - اصول عملیه عقلیه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱-۴	مقدمه
۵-۴۶	فصل اول: کلیات
۷-۱۷	بخش اول: مفهوم عقل در لغت و اصطلاح
۷-۸	مقدمه بحث
۸-۱۰	۱-۱: مفهوم عقل در لغت
۱۰-۱۷	۲-۱: مفهوم عقل در اصطلاح
۱۰-۱۳	۱-۲-۱: عقل در اصطلاح عام
۱۰-۱۷	۲-۲-۱: عقل در اصطلاح خاص
۱۷-۲۸	بخش دوم: منزلت عقل در آیات و روایات
۱۷-۱۹	۱-۲: عقلانی بودن دین و دینی بودن عقل
۱۹-۲۴	۲-۲: اصالت عقل در قرآن
۲۴-۲۸	۳-۲: حجیت عقل در روایات
۲۸	بخش سوم: نگرش تاریخی به عقلگرایی
۲۸-۳۰	مقدمه بحث
۳۰-۳۹	۱-۳: سیر تطور استناد به دلیل عقل در شیعه امامیه
۳۹-۴۴	۲-۳: سیر نزولی براهین عقلی
۴۴-۴۵	۳-۳: نقش فقهای متاخر امامیه در تدوین دلیل عقلی
۴۵-۴۶	۴-۳: نتیجه بحث

۴۷-۹۵	فصل دوم: مباحث حسن و قبح عقلی
۵۱-۶۸	بخش اول: حسن و قبح عقلی در افعال
۵۱-۵۲	۱-۱: انگیزه طرح این مسئله
۵۲-۵۳	۲-۱: مفاهیم حسن و قبح
۵۳-۵۴	۳-۱: تبیین نظرگاه اصلی اختلاف
۵۴-۵۷	۴-۱: تقسیم فلسفی عقل و تبیین آنها در معانی حسن و قبح
۵۸-۶۱	۵-۱: حسن و قبح عقلی از یقینیات است یا از مشهورات؟
۶۱-۶۴	۶-۱: تقریر سخن استاد محقق خراسانی
۶۲-۶۴	۱-۶-۱: اشکال اول بر سخن استاد
۶۴	۲-۶-۱: اشکال دوم بر سخن استاد
۶۴-۶۵	۷-۱: علت گرایش اشاعره به انکار
۶۵-۶۷	۸-۱: آیا نزاع کلی است یا جزئی؟
۶۷-۶۸	۹-۱: تبیین مبنای نظری و عملی اشاعره
۶۹-۷۴	بخش دوم: قلمرو عقل در استنباط احکام
۶۹-۷۱	۱-۲: مقدمه بحث
۷۱-۷۲	۲-۲: منطقه مستقلات عقلی
۷۲-۷۴	۳-۲: منطقه غیر مستقلات عقلی
۷۴	بخش سوم: دلایل عدلیه بر اثبات حسن و قبح عقلی
۷۵-۷۷	۱-۳: ادله عقلی استناد به حسن و قبح عقلی
۷۵-۷۶	۱-۱-۳: حسن و قبح از بدیهیات عقلی است
۷۶-۷۷	۲-۱-۳: انکار حسن و قبح عقلی ملازم با انکار حسن و قبح بطور مطلق خواهد بود
۷۷	۳-۱-۳: با انکار حسن و قبح عقلی، اثبات شرایع ممکن نیست

مرکز اطلاعات مدرک علمی ایران
تهیه مدرک

- ۲-۳: دلائل نقلی استناد به حسن و قبح عقلی ۷۷-۸۴
- ۱-۲-۳: قرآن و مسئله حسن و قبح عقلی ۷۷-۸۲
- ۲-۲-۳: عبارات روایی و مسئله حسن و قبح عقلی ۸۲-۸۴
- بخش چهارم: دلائل اشاعره برانکار حسن و قبح و نقد دلائل مذکور توسط عدلیه ۸۵-۹۵
- ۱-۴: دلائل عقلی ۸۵-۹۰
- ۱-۱-۴: اگر بدیهی بود، همه در آن یکسان بودند ۸۵
- نقد دلیل فوق ۸۵
- ۲-۱-۴: دروغ مصلحت‌آمیز، قبح نیست ۸۵-۸۶
- نقد دلیل مذکور با بیان اقسام حسن و قبح ۸۶-۸۸
- پاسخی دیگر از استدلال ۸۸-۸۹
- ۳-۱-۴: نقص ادراکات عقلی، اختلاف مردم در تشخیص حسن و قبح کارها، دلیلی بر عدم حجیت عقل ۸۹-۹۰
- ۴-۱-۴: قاعده لطف و نقد این دلیل ۹۰
- ۲-۴: دلائل نقلی ۹۱-۹۵
- ۱-۲-۴: تمسک به آیات ۹۱-۹۴
- الف: عدم ملازمه میان حسن و قبح عقلی و استحقاق عقاب ۹۱-۹۲
- نقد دلیل فوق توسط عدلیه ۹۲
- ب: تحسین و تقبیح عقلی، تعیین تکلیف برای خداست ۹۲-۹۳
- نقد دلیل مذکور توسط عدلیه ۹۳-۹۴
- ۲-۲-۴: تمسک به عبارات روایی ۹۵

۹۶-۱۱۱	فصل سوم: مفاد اصل و عکس قاعده ملازمه
۹۸-۹۹	مقدمه
۹۹-۱۰۸	بخش اول: مفاد اصل قاعده ملازمه
۱۰۰-۱۰۵	۱-۱: حَکَمٌ بِهِ الْعَقْل
۱۰۰-۱۰۱	۱-۱-۱: معانی حکم عقل
۱۰۲-۱۰۳	۱-۱-۲: نقاط اشتراک معانی حکم عقل
۱۰۳-۱۰۵	۱-۱-۳: فرق سیره عقلاء با احکام عقلی
۱۰۵-۱۰۸	۲-۱: حَکَمٌ بِهِ الشَّرْع
۱۰۵-۱۰۶	۲-۱-۱: مراتب مختلف حکم شرع
۱۰۶-۱۰۸	۲-۱-۲: معانی حکم شرع
۱۰۹-۱۱۱	بخش دوم: مفاد عکس قاعده ملازمه
۱۰۹	۱-۲: حَکَمٌ بِهِ الشَّرْع
۱۰۹-۱۱۱	۲-۲: حَکَمٌ بِهِ الْعَقْل
۱۱۱	۱-۲-۲: فرق «عقلاء متشرعین» با «سیره متشرعه»
۱۱۲-۱۳۸	فصل چهارم: ادله موافقین و مخالفین از امامیه پیرامون قاعده ملازمه
۱۱۴-۱۱۷	بخش اول: دیدگاههای مختلف پیرامون قاعده ملازمه
۱۱۷-۱۲۲	بخش دوم: ادله موافقین قاعده و ملازمه
۱۱۷-۱۲۲	۱-۲: دیدگاه محقق اصفهانی درباره قاعده ملازمه
۱۱۷-۱۱۹	۱-۱-۲: امکان حکم شرع بر خلاف حکم عقل
۱۱۷-۱۱۸	الف: دلیل اول موافقین (نقل کلام محقق اصفهانی)
۱۱۸-۱۱۹	ب: دلیل دوم موافقین (مبنای حکیم سبزواری و نقد آن)

- ۱۱۹-۱۲۱ ۲-۱-۲: امکان حکم مؤلوی بر طبق حکم عقل
- بخش سوم: ادله مخالفین قاعده ملازمه ۱۲۲-۱۳۷
- ۱-۳: اشکالات سید محمد باقر صدر و رد آنها ۱۲۲-۱۲۴
- ۲-۳: کلام شارح وافیه ۱۲۴-۱۲۶
- ۳-۳: فاضل تونی و استدلال بر روایات نفی ملازمه ۱۲۶-۱۲۷
- ۴-۳: صاحب فصول و ملازمه ظاهریه ۱۲۸-۱۳۰
- ۱-۴-۳: نقد و بررسی دلایل صاحب فصول ۱۳۰-۱۳۷
- الف: تکالیف امتحانی ۱۳۰-۱۳۱
- ب: تکالیف مبتنی بر تقیه ۱۳۱-۱۳۲
- ج: اوامر تعبدی و تقریبی ۱۳۲-۱۳۴
- د: رفع پاره‌ای از تکالیف به انگیزه امتنان ۱۳۴-۱۳۵
- ه: دایره احکام وسیعتر از حکمت آنهاست ۱۳۵-۱۳۷
- بخش چهارم: پیرامون شق دوم قاعده ملازمه ۱۳۷-۱۳۸

فصل پنجم: زمینه‌های بهره‌گیری از عقل در فقه شیعه

- ۱۳۹-۱۷۱ مقدمه
- ۱۴۲-۱۴۳ بخش اول: عقل و امکان کشف ملاک
- ۱۴۴-۱۴۵ بخش دوم: تمسک به ملاکات برای اثبات احکام
- ۱-۲: ادله حجیت مصالح و مفاسد در احکام مولوی شرعی ۱۴۶-۱۴۷
- ۲-۲: ادله حجیت مصالح و مفاسد در احکام ارشادی و مستقات عقلیه ۱۴۷-۱۵۰
- ۱-۲-۲: احکام ارشادی ۱۴۷
- ۲-۲-۲: ملاک تشخیص احکام ارشادی و مؤلوی ۱۴۸-۱۵۰

۱۵۰ - ۱۵۱	۲-۳: ادله حجیت مصالح و مفاسد در احکام امضائی
۱۵۱	۲-۳-۱: تفاوت احکام ارشادی با احکام امضائی
۱۵۱ - ۱۵۵	۲-۴: قلمرو تشخیص مصلحت و احکام حکومتی
۱۵۲ - ۱۵۵	۲-۴-۱: جلوه‌های عقلانیت در اندیشه حکومت اسلامی امام خمینی (ره)
۱۵۵ - ۱۶۲	بخش سوم: کیفیت عقل در درک مصالح و مفاسد
۱۵۶ - ۱۵۸	۳-۱: تفکیک در موضوع
۱۵۶ - ۱۵۷	۳-۱-۱: رابطه عقل با شرع
۱۵۷ - ۱۵۸	۳-۱-۲: رابطه عقل با سایر منابع
۱۵۸	۳-۲: عقل منبعی در طول سایر منابع
۱۵۸ - ۱۵۹	۳-۳: عقل منبعی در عرض سایر منابع
۱۵۹ - ۱۶۰	۳-۴: عقل جاعل حکم است یا کاشف از وحی؟
۱۶۰ - ۱۶۲	۳-۵: حکمت موارد مسکوت مانده در کتاب و سنت
۱۶۲ - ۱۶۴	بخش چهارم: مُدرک مصالح و مفاسد
۱۶۴ - ۱۶۵	بخش پنجم: عقل و تصرف در نصوص
۱۶۵ - ۱۶۶	بخش ششم: قلمرو عقل ابزاری
۱۶۵ - ۱۶۶	۶-۱: سنجش ارزش دلایلها
۱۶۶	۶-۲: ترازوی سنجش درستی روایتها
۱۶۶ - ۱۷۰	بخش هفتم: بررسی تعارض عقل با سایر منابع
۱۷۰ - ۱۷۱	جمع بندی
۱۷۳ - ۱۹۹	فصل ششم: توصیه‌ها و راهبردهای عقلی در اصول علمیه
۱۷۴ - ۱۷۷	مقدمه: کلیات باب اصول علمیه

۱۷۴ - ۱۸۷	بخش اول: وظیفه عقلی به هنگام شک در تکلیف
۱۷۸	۱-۱: تشخیص شک در تکلیف از شک در مکلف به
۱۷۸ - ۱۸۰	۲-۱: اقسام شک در تکلیف
۱۸۰	۳-۱: مفاد اجمالی قاعده براءت عقلی
۱۸۰ - ۱۸۵	۴-۱: نظریه مخالف (نظریه حق الطاعه)
۱۸۱ - ۱۸۲	۱-۴-۱: از منظر وجدانی
۱۸۲	۲-۴-۱: از منظر سازگاری درونی
۱۸۳ - ۱۸۵	۳-۴-۱: از منظر لوازم بیرونی
۱۸۶ - ۱۸۷	۵-۱: رابطه قاعده ملازمه با تجری
۱۸۸ - ۱۹۳	بخش دوم: اصل احتیاط (اشتغال)
۱۸۸ - ۱۸۹	۱-۲: اقسام احتیاط
۱۸۹ - ۱۹۰	۲-۲: اقسام شک در مکلف به
۱۹۰ - ۱۹۱	۳-۲: سخن وحید درباره قطع آور بودن علم اجمالی
۱۹۱ - ۱۹۳	۴-۲: دوران امر میان اطراف متباین و اقل و اکثر
۱۹۳ - ۱۹۹	بخش سوم: اصل تخییر
۱۹۳ - ۱۹۴	۱-۳: موضوع اصل تخییر
۱۹۴ - ۱۹۵	۲-۳: اقسام تخییر عقلی
۱۹۶ - ۱۹۸	۳-۳: نظریات در اصل تخییر و نظریه مختار
۱۹۹	۴-۳: تخییر ابتدایی یا استمراری؟
۲۰۰	چکیده انگلیسی
۲۰۴	فهرست منابع و مأخذ

مقدمه

قرار گرفتن عقل در کنار سه منبع دیگر اجتهاد-کتاب سنت و اجماع - و اختصاص حجم مهمی از مباحث اصول به این منبع عظیم در قالب مستقلات و غیر مستقلات عقلیه در کتب اصولی، نشان از قدر و حرمت عقل در بافت و سازمان استنباط احکام دارد:

در گفتگوهای فقهی، مراد از عقل، همان جوهر مجردی است که در متون دینی، به پیامبر درونی شهره است، نیکبها و درستبها را درک می‌کند و زشتی را از خوبی می‌شناسد و این نیرو هم می‌تواند با مقدمه‌ای از شرع، به حکم شرعی برسد و هم به خودی خود، در چارچوب خواسته‌های دینی، مشرّع باشد. با این شرط که از سیطره عوامل درونی و بیرونی آزاد و رها باشد.

«العقل السليم الخالي عن هواجس الافكار و شوائب الاوهام»^(۱).

شریعت ناطق است؛ لیک سخن او هم می‌تواند چهره و قالب ایستا بیاید و هم می‌تواند معنی و مفهوم سیال و پویا ترسیم نماید. بسیاری از بزرگان و صاحب‌نظران معتقدند: اسلام دین معقول است و تعبد ما به احکام بنحوی متکی بر تعقل اجمالی و یا تفضیلی خواهد بود. قوانین دین همگی بر اساس مصالح و مفاسد واقعی رقم خورده‌اند و بعد از شناخت قطعی نسبت به آن مصالح و مفاسد، می‌توان از توسعه و یا تضییق و یا تأسیس احکام جدید بر محور آن سخن گفت.^(۲)

۱. سید محمد بجنوردی، «مقالات اصولی»، ص ۵۱.

۲. مرتضی مطهری، «اسلام و مقتضیات زمان»، ج ۱، ص ۲۴۴.

در مقابل هنوز هم یافت می‌شوند کسانی که، دین را سراسر پدیده‌ای مرموز، اسرارآمیز و پر رمز و راز می‌دانند و دستورات آن را فراسوی اذهان و عقول بشری تلقی می‌کنند. این تصور، برداشتی نادرست و ناقص از تعالیم دینی بویژه در محدوده قوانین حقوقی و نظام قانونگذاری آن است. «قوانین اسلامی به اصطلاح امروز در عین اینکه آسمانی است، زمینی است»^(۱).

عقل و خرد آدمی در احکام توقیفی و تعبدی، تنها حالت پذیرندگی و تأیید دارد؛ زیرا ساحت آنها فراتر از ساحت عقل است. احکام توقیفیه، منوط به ورود نص خاص و منوط به تعبد محضند و به یک معنی تأسیسند، حکمی است که قبلاً در محیط عقلا نبوده و سپس با دستور شارع مقدس این حکم با خصوصیات معین و ضابطه مشخص جعل گردیده است و فقیهان، پیرو خطابهای شریعت و دستورات وحی اند. ولی گزاره‌هایی که بر پایه حسن و قبح توجیه می‌شوند^(۲) و تمام یافته‌هایی که به این امور باز می‌گردند، توانایی، کارائی و داوری عقل در آنها تمام است. در این حوزه اگر شریعت خطاب و دستوری داشته باشد، ارشاد و تأکید حکم عقل است. «الاحکام الشریعه الطاف فی الاحکام العقلیه»^(۳).

اینها مطالب بسیار مهمی است که، در واقع دعوای جدیدی را مطرح می‌کند که در عین حال ادامه همان جدال بین اصحاب نقل و عقل است. تا وقتی که اصحاب نقل حاکم نشده بود (در پایان قرن چهارم) می‌بینیم که، رشد و ترقی جامعه اسلامی خیلی چشمگیر بوده است و بعد از آنکه اصحاب نقل حاکم می‌شود، موانعی در برابر حرکت و جولان اندیشه ایجاد می‌شود؛ جلوی فلاسفه و متکلمین و بطور کلی اصحاب عقل گرفته می‌شود و جوامع اسلامی رو به فقیر می‌روند و نوعی بی‌حرکتی و سکون حاکم می‌شود.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۷.

۲. مانند: نیک بودن امانتداری، راستگویی، عدالت، نظام داری جامعه، و نیز زشت بودن خیانت، دروغ، ظلم و ستم، حرج و مرج و آشفتگی جامعه.

۳. سید محمد بجنوردی، «مقالات اصولی»، ص ۵۱.

لذا، جایگاه عقل ودقت نظر و باریک بینیهای عقلی، بویژه در فقه اجتماعی همان اندازه حیاتی و ضروری است که تکیه کردن بر قرآن و سنت. از همین روی، امام خمینی روئیدن و برآمدن فقه پویا را از ریشه‌های فقه کهن چشم داشت و نه بریده و گسسته از آن.

این مهم، تنها در عقل باوری فقیهانه به سرانجام می‌رسد. بزرگترین خدمتی که امام خمینی (ره) انجام داد این بود که عقل را در عمل و در واقعیتها هماهنگ ساخت؛ او در اواخر قرن بیستم و با وجود این تمدن شگرف و در عصر گسترش اطلاعات و کامپیوتر، «تئوری دینی اداره کشور» را مطرح کرد و با طرح این مسئله طبعاً و به صورت اجتناب‌ناپذیر تحولات فکری بسیار عظیم و گسترده‌ای را در فهم مجدد ابعاد گوناگون دین بوجود آورد که، مسلماً به نوبه خود به شکوفائی و باروری جهان‌بینی اسلامی خواهد انجامید.

اینک که گزاره‌های فقهی گسترش یافته و دگر دیسیهای نمایان و سرنوشت ساز، در بخش مهمی از رفتارهای انسان پدید آمده است، عقل نقش بزرگی در توانمند سازی فقه بر عهده دارد. حضور فقه در صحنه زندگی و شکل‌گیری فقه اجتماعی، جز با یاری جستن از نیروی ابزاری و منبع بودن عقل و روشنگریهای حکم شناسانه آن، ممکن نیست.

فقه‌های امامیه، از چشم اندازه‌های گوناگون فقهی، به عنصر عقل و کارائی و نقش آفرینی آن در کشف حکمتهای شریعت نگریسته و آن را در شمار دلیلهای منابع احکام دانسته‌اند. در سراسر بابهای فقه، بویژه در موارد برخورد ملاکها، مصالح و مفاسد، واجبه‌های مقدمی و نظامی و حکم به مقدم داشتن اهم بر مهم، برازندگی و درخشش قضاوتهای عقل بیشتر به چشم می‌خورد. با این همه در عمل و نوشتارهای فقهی به گونه بایسته و در خوری به کار گرفته نشده است.

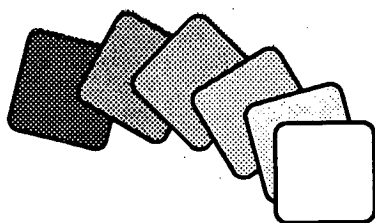
شهید صدر آنجا که مصادر فتوی را بر شمرده، نگاهشته است:

آن چیزی که دلیل عقلی شمرده می‌شود و مجتهدان و اخباریان درباره روایی و ناروایی به کار بردن آن با یکدیگر مگو و اختلاف دارند، اگر چه ما به روایی عمل به آن اعتقاد داریم، لیک

حتی یک حکم را نیافتیم که برای ثابت کردن آن به دلیل عقل تکیه شده باشد.^(۱) مطالعه کتابهای فقهی نشان می‌دهد که اگر چه عقل در شمار منابع حکم شمرده می‌شود، ولی فقیهان، در مقام دریافت حکم، تنها عقل را ابزار فهم یافته‌ها، روش معانی و دلالت‌های التزامی و سرانجام کشف احکام عقلی غیر مستقل، به کار گرفته‌اند. همین اندازه به عقل میدان داده‌اند که در مقام اثبات، استدلال بیاورد، نه آنکه خود برای موضوعی حکم داشته باشد و منبع حکم شناخته شود؛ البته محدود بودن گزاره‌ها و نیازهای حکمی در دوران پیشین، چه بسا بسندگی به همین مقدار کاربرد عقل در فقه را توجیه می‌کند؛ ولی امروز که پدیده عقلانیت، سراسر زندگی را دگرگون کرده و فقه با انبوهی پرسش و گزاره نو روبروست، بویژه در مقوله جامعه و حکومت، چگونه می‌توان این گوهر کارآمد و منبع روشنگر و حجت باطنی خداوند را، در پژوهشها و حکم شناسیهای فقهی دست کم گرفت و پیامبر ناگوار و گوشه نشینی فقه را از زندگی پذیرا شد.

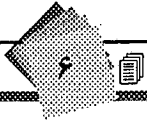
بنابر این، برای جاودانگی شریعت پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله وسلم - و ثمر بخشی تلاشهای طاقت فرسای آن بزرگوار و رنجهای بی شمار ائمه اطهار علیه السلام بایستی تنها به یک رسالت اندیشید، رسالت نوگرایی دینی، که بر عهده ما و حوزه‌های علمیه است. لذا همکاری حوزه و دانشگاه می‌تواند کمک موثری در بازشناسی دقیق چگونگی رویدادها و درک اهمیت و بایستگی موضوع باشد که، نتیجه آن بهره‌گیری درست و روشمند از دانستنیها و فهم عقلی عصر، در حوزه برداشتهای فقهی و کشف احکام شریعت خواهد بود.

۱. شهید صدر، «فتاوی الواضحه»، ص ۹۸.



فصل اول

کلیات



بخش اول: مفهوم عقل در لغت و اصطلاح

مقدمه بحث

۱-۱: مفهوم عقل در لغت

۲-۱: مفهوم عقل در اصطلاح

۱-۲-۱: عقل در اصطلاح عام

۲-۲-۱: عقل در اصطلاح خاص

بخش دوم: منزلت عقل در آیات و روایات

۱-۲: عقلانی بودن دین و دینی بودن عقل

۲-۲: اصالت عقل در قرآن

۳-۲: حجیت عقل در روایات

بخش سوم: نگرش تاریخی به عقلگرایی

مقدمه بحث

۱-۳: سیر تطور استناد به دلیل عقل در شیعه امامیه

۲-۳: سیرنزولی براهین عقلی

۳-۳: نقش فقهای متأخر امامیه در تدوین دلیل عقلی

۴-۳: نتیجه بحث